

نقل قول خیر



محسن رضایی معاون اقتصادی رئیس‌جمهور عشایر ایران مانند شمعی درخشان در طول تاریخ پرافتخار و طولانی ایران درخشیده‌اند و این قشر همواره در خط مقدم دفاع از ایران و اسلام بوده‌اند. در ماه‌های ابتدایی جنگ که سپاه و ارتش آمادگی کامل را برای مقابله با هجمه دشمن نداشتند و در حال آرایش و سازماندهی بودند عشایر نقش تعیین‌کننده داشتند. عشایر در دوران بعد از جنگ نیز نقش آفرین بودند و در دفاع از حرم آل الله نیز در کنار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سوریه و عراق قرار داشتند و مبنای عشایر سوریه و عراق شدند تا آنان را وارد میدان کنند. اعتماد آنلاین



فرهاد زیویار استاندار لرستان

مردم لرستان در جریان ۸سال دفاع مقدس بیش از ۶۵۰۰ شهید والا مقام تقدیم انقلاب اسلامی کردند و در عملیات حاج عمران حدود ۳۰۰ نفر از این استان به شهادت رسیدند. از این‌رو برای گرامیداشت یاد و خاطره این شهیدان سرفراز، یادمان شهدای حاج عمران در منطقه شمال غرب کشور ساخته می‌شود. همچنین درخصوص اعزام کاروان‌های راهیان نور به مناطق شمال غرب تصمیماتی اتخاذ شده است. ایسنا

خبر

بازگشت پیکر ۳۲ شهید دفاع مقدس به وطن

پیکرهای پاک و مطهر ۳۲ شهید دوران ۸سال دفاع مقدس که توسط کمیته جست‌وجوی مفقودان تفحص شدند هم‌زمان با شهادت امام‌جواد(ع) به وطن بازمی‌گردد. سردار سیدمحمدباقر زاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودان ستادکل نیروهای مسلح اظهار کرد: «روز پنجشنبه‌نهم تیرماه، هم‌زمان با سالروز شهادت امام جواد(ع) پیکرهای طیبه ۳۲ شهید تازه تفحص شده دوران ۸سال دفاع مقدس وارد مهن اسلامی خواهد شد. این تعداد شهیدا مربوط به عملیات تفحص تاریخ یکم تیرماه هستند که اگر تا نهم تیرماه به تعداد شهدای تفحص شده افزوده شد به این شهدا ملحق خواهند شد.» وی با بیان اینکه این شهدا از مرز شلمچه وارد مین هجرت‌نم می‌شوند، گفت: «پیکر پاک این شهدان مورداستقبال عشایر قهرمان ایل قشقایی از استان فارس به نمایندگی از ملت ایران قبل خواهند گرفت.» گفتنی است پیکرهای طیبه این شهدا در مناطق عملیاتی فکه، شرق دله و شلمچه تفحص شده و مربوط به عملیات‌های والفجر مقدماتی، خبیر، بدر، کربلای ۵ و کت دشمن در سال ۱۳۶۷ هستند.



خبر

افخمی فیلم «شهید میرزایی» را می‌سازد

علیرضا افخمی در تدارک ساخت فیلمی سینیمایی درباره زندگی نظامی شهیدی از دوران دفاعمقدس است؛فیلمی که داوود هاشمی تهیه‌کنندگی آن را به‌عهده دارد. به نقل از روابط‌عمومی پروژه، علیرضا افخمی این روزها مراحل تحقیق و نگارش فیلمی سینیمایی درباره زندگی شهید حسن هداندمیرزایی، از شهدای شهرستان پاکدشت را در دست اقدام دارد. شهید هدانود از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی در دوران جنگ بود که در مقطع اسارت و طی حادثه عجیبی توسط رژیم بعث عراق به شهادت رسید.

داوود هاشمی درباره این پروژه گفت: «علیرضا افخمی این روزها مشغول تحقیق و بررسی زندگی شهید هدانود است و به‌زودی نگارش فیلمنامه را آغاز خواهد کرد و من فیلم هم به‌زودی انتخاب خواهم شد. با توجه به همکاری خوب مسئولان فرمانداری شهرستان پاکدشت به‌ویژه شخص فرماندار و همچنین ارتش جمهوری اسلامی، بسیار به تولید و خروجی این پروژه خوش‌بین هستم و امیدوارم قدیمی در راستای تجلیل از مقام یکی از شهدای شاخص جنگ تحمیلی باشم». به‌گفته او،امیر سرتیپ جانباز محمد ملازری از فرماندهان نیروی زمینی ارتش و از جانبازان ۷۰درصد نابینای دوران ۸سال دفاعمقدس، به‌عنوان مشاور با این پروژه همکاری دارد. این جدیدترین همکاری افخمی و هاشمی به‌ترتیب در جایگاه کارگردان و تهیه‌کننده پس از سریال‌هایی مثل «پنجمین خورشید»، «پنج کیلومتر تا بهشت»، «حضار» و… محسوب می‌شود.

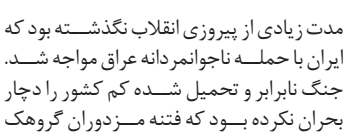


شکست توطئه دشمن در مسجد ابوذر

بازخوانی ششم تیرماه سال ۱۳۶۰؛ روزی که به مقام معظم رهبری سوء قصد شد

یکی از تلخ‌ترین حوادث انقلاب اسلامی در ششم تیرماه سال ۱۳۶۰ رقم خورد. سوء قصد به آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، امام جمعه تهران و نماینده

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در ششورای عالی دفاع. این اتفاق شوم در مسجد ابوذر در خیابان فلاح رخ داد. درست لحظه‌ای که حضرت آقا پشت تریبون قرار گرفتند تا درباره شایعه پراکنی منافقان سخنرانی کنند. هنوز دقایقی نگذشته بود که صدای انفجار، گفته‌های آیت‌الله‌خامنه‌ای را نیمه‌تمام گذاشت. بوی وود در خون جاری شده روی دیوارها و فرش‌ها خبر از اتفاقی ناگوار می‌داد. دشمن قلب ایشان را نشانه گرفته بود اما معجزه الهی، فتنه منافقان را اتر گذاشت. خدا خواست ایشان زنده بماند. بماند تا امروز با رهبری مقتدرانه‌اش ایران‌مان سربلند و جاودان باشد. حجت‌الاسلام رضا مطلبی امام‌جماعت وقت مسجد ابوذر ماجرای آن روز را برای ما روایت می‌کند.



مدت زیادی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که ایران با حمله ناچوانمر دانه عراق مواجه شد. جنگ نابرابر و تحمیل شده کم‌کشور را دچار بحران نکرده بود که فتنه مزدوران گروهک مجاهدین هم مزید بر علت شده بود. منافقان خشمگین از فتنه‌های به ثمر نرسیده خود متوسل به اقدامات تروریستی شده بودند. هدف‌شان هم این بود که نیروهای کارآمد و تأثیرگذار انقلاب را از سر راه براندازند تا به‌اصلاح خودشان جمهوری اسلامی را زمین‌بزنند. هر روز یکی از افراد برجسته را ترور می‌کردند. شش تیر ۱۳۶۰ نوبت به آیت‌الله خامنه‌ای رسیده بود. مردمی که امام خمینی(ره) دوستش داشتند و همچنین مردم. حجت‌الاسلام مطلبی از دغدغه‌های آن روزها می‌گوید: «سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منافقان شایعه‌پراکنی کرده و جو نامنی را به‌وجود آورده بودند. در واقع هدف‌شان این بود که بابی اعتماد کردن مردم آنها را نسبت به جمهوری اسلامی دلزده کنند.» آیت‌الله خامنه‌ای برای شفاف‌سازی اذهان و پاسخ دادن به سوالات و شهادتی که در ذهن مردم جا گرفته بود هر شبینه به یکی از مساجد شهر می‌رفتند و بین نماز ظهر و عصر سخنرانی می‌کردند. ساعتی را هم در نظر می‌گرفتند تا مردم به‌خصوص جوانان دغدغه‌های فکری خود را با ایشان در میان بگذارند. روز عتیر هم قرار بود به مسجد ابوذر بروند. حجت‌الاسلام مطلبی می‌گوید: «قرار بود ۱۱خرداد مسجد ابوذر، میزبان آیت‌الله خامنه‌ای باشد اما چون قضیه عزل بنی صدر پیش آمد. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به حساسیت موضوع به

ایتارومقاومت



شکست توطئه دشمن در مسجد ابوذر

بشری مظلوم بود. نه می‌گذاشتند درس بخواند و نه می‌گذاشتند دراجتماع واردشود. و در مسائل سیاسی تبحر پیدا کند. نه ممکن بود در میدان‌های…» جمله آقا باصدای انفجار ناتمام ماند. دیوارهای مسجد به‌خود لرزید. سیدخدا روی زمین افتاد. غرق در خون. انگار قیامتی برپا شد. محافظ آقا و چند تن از پاسداران به سمت آقا دویدند. ایشان را روی دست گرفته و به بیرون بردند.

مردم پشت در بیمارستان

آیت‌الله خامنه‌ای شرایط خوبی نداشتند. وسعت جراحات‌شان زیاد بود. دست راست ورم کرده و بی حرکت، بخشی از سینه‌شان سوخته و نبض‌شان هم یکی در میان می‌زد. باید ایشان را به یک مرکز درمانی می‌رساندند. نزدیک‌ترین جـا در مانگامی بود در خیابان قزوین. پزشکان با دیدن او گفتند که نمی‌توانند کاری انجام دهند و بهتر است ایشان را به بیمارستان بهارلو برسانند. دوباره حضرت آقا را سوار بر ماشین کرده و همراه با یک پرستار به بیمارستان بهارلو بردند. خبر سوءقصد به آیت‌الله خامنه‌ای خیلی زودان هم از طریق رادیو منتشر شد. همین‌خبر مردم را روانه میدان راه‌هن کرد به تا خود را به پشت در بسته بیمارستان بهار لو برسانند. همه دلواپس از جراحی‌وارد شده برای ایشان دعای می‌کردند. خیلی‌ها هم برای اهدای خون آمده بودند. خبردار شده بودند خون زیادی از حضرت آقا رفته و ایشان نیاز به خون دارند.

دشمن قلب آقا را نشانه گرفته بود

اما در اتاق عمل چه گذشت. دکتر محجوبی با پیکر غرق به خونی مواجه شد که رنگ به‌صورت نداشت.

سر خم می‌سلامت، شکنده اگر سوبوی
مکت
بعد از سه‌سوقصد به جان آیت‌الله خامنه‌ای، امام‌خمینی (ره) در بیامی ابراز کردند: «خاندان‌متعالی را شکر که دشمنان اسلام را از گروه‌ها و اشخاص احمق فرار داده است. من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این مظلوم خدمت کرده و از خاندان تعالی سلامت نسیم‌ا را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.» آیت‌الله خامنه‌ای بعد از گذشت چندروز از حادثه ترور در پاسخ به پیام امام‌خمینی(ره) گفتند: «به فضل الهی و به کمک و تلاش بی‌درغ کارکنان عزیز این بیمارستان خودم را در وضع بسیار مناسب و خوبی می‌بینم. هر وقت به یاد این ای‌قتم که این حادثه موجب شده امام‌عظیم‌الشان ما اظهار لطف کنند و در پیام‌شان اظهار دلسوزی بکنند و ملت بزرگ و قهرمان ما دست به دعا بردارد و دعا کنند در خود احساس شرمندگی می‌کنم. من بدین وسیله از همین جاسلام و اردت بی‌پایان خودم را خدمت امام‌ابت عرض می‌کنم. توفقی ندارم کمترین زنجشی به خاطر ایشان شنینند. ما معتقدیم که «سر خم می‌سلامت، شکنده اگر سوبوی.»

هم‌اشاره‌های

معرفی مستند

یک روز به‌خصوص

در کوران بحث‌های سیاسی بین اعضای حزب جمهوری اسلامی در مجلس ششورای اسلامی و بنی صدر خبری مردم را شوکه می‌کند؛ آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در مسجد ابوذر تهران ترور می‌شود. مستند «یک روز به‌خصوص» روایت شاهدان عینی از ترور آیت‌الله خامنه‌ای در ششم تیر ۱۳۶۰ است. این مستند که به کارگردانی میکائیل دباتی ساخته شده از سوی گروه برنامه‌های تلویزیونی مرکز بسیج رسانه ملی تولید شده است. یک روز به‌خصوص را فریدون خیام‌باشی محافظ شخصی آیت‌الله خامنه‌ای، حجت‌الاسلام رضا مطلبی، امام جماعت مسجد ابوذر و برخی از اعضای بسج آن مسجد روایت می‌کنند. برای تماشای این مستند می‌توانید به پلتفرم‌های نمایش آنلاین فیلم از جمله عمار یار مراجعه کنید.
ناگفته نماند هر ساله این مستند از شبکه‌های مختلف سیماز جمله مستند و افق نیز پخش می‌شود.



کتاب گویا

به شرط بهشت

شهید امیری مقدم، از فارغ‌التحصیلان دوره پنجم مدرسه مفید بود که در مقاطعی، در مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، به‌عنوان تاریخ‌نگار و راوی دفاع‌مقدس فعالیت می‌کرد. او همراه چند تن از هم دوره‌ای‌های دوران دانش آموزی با فعالیت در مرکز مطالعات به‌عنوان پژوهشگر و راوی فعالیت داشت.

کتاب «به شرط بهشت» زندگینامه شهید محمد (سعید) امیری مقدم، از راویان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است که سمیه گنجی، تحقیق و نگارش آن را بر عهده داشته است. در کتاب صوتی «به شرط بهشت» می‌توانید با زندگی دانش آموزی شهید، فعالیت در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، حضور در جبهه و شهادت به روایت پدر، دوستان، هم‌حله‌های‌ها، هم‌کلاسی‌های دوران دبیرستان و خواهر‌شان آشنا شوید. در فصل هشتم «به شرط بهشت» روایت خود راوی و آثاری که از این شهید باقی مانده، گردآوری شده‌است. فصل نهم نیز دربردارنده نامه‌ای است که شهید امیری مقدم بعد از شهادت شهید صادقی نواز با عنوان «نامه‌ای به بهشت» نوشته است. شهیدسیدمحمد(سعید) امیری مقدم، به‌عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. او ۲۶ فروردین ۱۳۶۶، با سسنت فرمانده دسته در ماووت عراق بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید.

کتاب صوتی «به شرط بهشت» از سایت «ایران‌صدا» قابل‌دانلود است. احمد لشینی، بهجت توجه، میلاد فتوحی و محمدحسین غلامعلی خواندن این کتاب را برعهده دارند.

معرفی کتاب

روزهای خرمشهر از مر ترضی سرهنگی

اشغال خرمشهر و دفاع مردم در حملات دشمن، رها کردن خانه و کاشانه و دوری از درس و مدرسه موضوعی است که اگر چه با رها در قالب فیلم، کتاب و مستند به‌راستی آن پرداخته شده، اما تنها بیانگر گوشه‌ای از درد و رنج مردم این شهر است. مر ترضی سرهنگی نویسنده نام‌شناسی که دغدغه تولید و چاپ آثار دفاع مقدس را دارد، سراغ این سوزو رفته و در کتاب «روزهای خرمشهر» به‌زیبانی کودکانه ماجرای اشغال خرمشهر را روایت می‌کند. کتاب در رده سنی ب و ج قرار دارد و انتخاب مناسبی برای آشنایی کودکان و نوجوانان با رویدادهای جنگ تحمیلی و جنگ خرمشهر است. در بخشی از کتاب روزهای خرمشهر می‌خوانیم:

«سربازان و افسران عراقی به داخل شهر آمدند. آنها خانه‌ها، مدرسه‌ها، کارخانه‌ها، مسجدها و بیمارستان‌های خرمشهر را ویران کردند. آنها اموال مردم را غارت کردند. عراقی‌ها برای به‌دست آوردن اموال بیشتر حتی همدیگر را می‌کشند. عراقی‌ها، در همان روزهای اول اشغال خرمشهر، روی دیوارهای خرمشهر نوشتند: «ما هداییم که بمانیم». عراقی‌های خواستند خرمشهر را از ایران جدا کنند. زمین‌گان ایرانی لحظه‌ای عراقی‌ها را آرام نگذاشتند. آنها در فرصتی به داخل شهر نفوذ می‌کردند و هدای از عراقی‌ها را به هلاکت می‌رساندند.»
کتاب «روزهای خرمشهر» توسط انتشارات سوره مهر و برای گروه کودکان و نوجوانان منتشر شده و سحر فرهادروش تصویرگری آن را برعهده داشته‌است.